



وقتی شکست، مقدمه پیروزی شد

← مروری به عملیات «کربلای ۵» که یکی از سنگین‌ترین عملیات‌ها بین حدود ۹۰ عملیات دفاع مقدس بود

📍 **شهروند** دی‌ماه چند دهه پیش، دو اتفاق مهم در تاریخ معاصر دفاع از آب و خاک کشورمان رخ داد؛ یکی عملیات «کربلای ۴» و دیگری «کربلای

۵». ماجرای «کربلای ۴» از این قرار بود که فرماندهان سپاه، روی طرحی چندین ماه کار کردند و تصمیم گرفتند نیروها را در دو محور شلمچه و ابوالخضیب (در اروندرود در جنوب خرمشهر) به سمت بصره پیش ببرند. به این ترتیب که رزمنده‌های ایرانی وارد رودخانه می‌شدند و با عبور از اروندرود، پشت عراقی‌ها دمی‌آمدند و بعد با فشار از شلمچه، پشت لشکر عراق را منهدم می‌کردند و به سمت بصره پیش می‌رفتند. طراحی عملیات هوشمندانه بود اما اطلاعات آن پیش از اجرا، از طریق آمریکایی‌ها به دست بعضی‌ها افتاد. رفیق‌السامرایی، رئیس اطلاعات ارتش عراق بعدها گفت: «ما قبل از شروع حمله از آن آگاه بودیم. اگر این آگاهی را نداشتیم قطعاً بصره اشغال می‌شد و بغداد هم در معرض خطر قرار می‌گرفت.» به این ترتیب سرویس‌های جاسوسی آمریکا، دست صدام را در مقابل یک شکست گرفتند تا جلادشان آسیبی نبیند و ایران محتمل شکستی سنگین در عملیات «کربلای ۴» شد. به همین دلیل بود که تصمیم بر انجام عملیات «کربلای ۵» گرفته شد. «کربلای ۵» از آن جهت مهم است که پیروزی با فاصله‌ای کوتاه بعد از آن شکست حاصل شد. ضمن اینکه یکی از بزرگ‌ترین و سنگین‌ترین عملیات‌های دفاع مقدس بود. آنچه در ادامه می‌خوانید مروری است بر اتفاقات این عملیات که مستند است به کتاب‌های «تاریخ جنگ ایران و عراق» (نوشته جعفر شیرعلی‌نیا)، «ذوالفقار» (برش‌هایی از خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی) و سایت مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایدار.

راهی میان بیم‌وامید

عملیات «کربلای ۵» یکی از عملیات‌های مهم کشور بود؛ هم از آن جهت که باید شکست عملیات قبلی جبران می‌شد و هم به این دلیل که تردیدهایی درباره اجرای آن وجود داشت. در نهایت‌ام‌فرماندهان‌ومستولان‌به‌تصمیم‌گیری نهایی رسیدند و عملیات در میانه بیم و امید انجام شد. به این ترتیب رزمندگان ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۶۵ به خط شلمچه زدند. عراقی‌ها هم که در جشن پیروزی پیشین خود بودند، به‌شدت غافلگیر شدند و رزمنده‌های ایرانی، خط دفاعی شلمچه‌را شکستند و پیش‌رفتند.

خیزش بعداز شکست

مصطفی رحیمی از پژوهشگران و نویسندگان دفاع مقدس درباره شرایط عملیات «کربلای ۵» می‌گوید: «عملیات «کربلای ۴» حدود ۱۶ روز قبل از «کربلای ۵» انجام شد. رزمندگان (در عملیات کربلای ۴) چیزی حدود ۹ ماه در حال تمرین و آماده‌سازی بودند اما پس از ناموفق بودن آن، با وجود روحیه نامساعد، باز هم با امید پیروزی در همان منطقه عملیاتی ماندند و عملیات «کربلای ۵» را در منطقه شلمچه آغاز کردند. منطقه شلمچه، نوعی نوستالژی برای رزمندگان داشت. چون یکی از محورهای اصلی آغاز تجاوز ارتش صدام به خاک ایران از سوی شلمچه آغاز شده بود و وقتی عراق می‌خواست به خرمشهر حمله کند، از این محور وارد عمل شد. البته عملیات‌های محدود و گسترده زیادی مانند بیت‌المقدس هم در آن‌جا اجرا شده بود. بنابراین شلمچه بار عاطفی و نوستالژیک برای رزمندگان داشت.»

آمار فرماندهان صدام، خنده‌دار بود

روش و منش دیکتاتوری و چاپلوس‌پروری صدام از دلایل اصلی غافلگیری در عملیات «کربلای ۵» بود. حمدانی، از فرماندهان گارد ریاست جمهوری عراق می‌گوید: «حمله «کربلای ۴» ایران به‌کلی شکست خورد و رقابتی میان فرماندهان سپاه سوم و هفتم عراق که همیشه موفق بودند، پدید آمد. فرمانده سپاه سوم، طالی‌الدوری، برای اینکه نشان بدهد ایران را شکست داده، آمار وارقامی از تلفات سنگین ایران نشان می‌داد که غیرمنطقی به نظر می‌رسید. ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه هفتم هم می‌دانست که باید مطابق میل صدام رفتار کند، آمارهای غیرواقعی می‌داد؛ آمارهایی که خنده‌دار بود.



پل ارتباطی بین نیروهای ایرانی را بی‌وقفه زیر آتش گرفته بود. این آتش دشمن، الحاق بعضی گروهان‌ها را قطع کرده بود. انتقال مهمات، غذا و مجروح یا وسیله نقلیه، به هیچ عنوان مقدور نبود و همه چیز توسط افراد حمل می‌شد. فشار دشمن در عصر روز دوم عملیات با به‌کارگیری هوانیروز و نیروی هوایی بیشتر هم شد. به این ترتیب نبرد شبانه‌روزی «کربلای ۵» ادامه داشت و نیروهای ایرانی در آتش و مقاومت شدید دشمن، قدم به قدم با سرعت محدود پیش رفتند. به‌تدریج هم در غرب نهر جاسم، سریل‌را گرفتند و بعد از فرار و عقب‌نشینی نیروهای عراق، با ساماندهی کامل، عملیات را ادامه دادند.

رویارویی سنگین

دشمن زمین داده بود تا نیروهایش را حفظ کنند و به همین دلیل در چهارراه شلمچه به‌شدت مقاومت می‌کرد. همچنین برای سد کردن پیشروی رزمندگان به کلیه سپاه‌های خود اعلام کرد یگان‌های عملیاتی را آزاد کرده، به شلمچه اعزام کنند. به این ترتیب خیلی سریع بیش از ۱۰۰ یگان عراق به منطقه آمدند و برابر نیروهای ایرانی صف‌آرایی کردند. تداوم عملیات در غرب نهر جاسم، با توجه به مدت زمان درگیری (۲۰ شبانه‌روز) و حجم یگان‌های دشمن در منطقه (۱۰۰ یگان)، از اهمیت و ارزش بالای عملیات رزمندگان و سرمایه‌گذاری دو طرف بر موفقیت در این درگیری‌ها حکایت می‌کرد. طی این مدت فقط ۲۵ یگان سپاه برابر دشمن صف‌آرایی کردندو بارها با ساماندهی و جذب نیروی جدید، عملیات را ادامه دادند.

اکیلومتر پیشروی یعنی ۱۰ اکیلومتر پیشروی!

منطقه عملیاتی «کربلای ۵»، منطقه محدودی بود. عرض این منطقه بین ۱۰ تا ۱۳ کیلومتر و عمق آن متغیر بین ۱۲ تا ۱۵ کیلومتر بود. یک منطقه آب‌گرفتگی وسیع مصنوعی در حوالی مرز وجود داشت که به همراه کانال پرورش ماهی، زمین منطقه عملیاتی را کوچک و پیچیده کرده بود. زمین منطقه عملیات «کربلای ۵» در شرق بصره ارزش و اهمیت زیادی داشت. محور مواصلاتی شلمچه کلید فتح بصره به شمار می‌فت. بنابراین یک کیلومتر پیشروی در محور شلمچه، از نظر اهمیت نظامی و فشار سیاسی بر دشمن، برابر با حدود ۱۰ کیلومتر پیشروی در نقاط دیگر ارزش داشت.

روزهای خونین

جبهه ایران و عراق به خونین‌ترین روزهایش رسیده بود. تمام قدرت دو طرف در زمین محدود شلمچه به میدان آمده بود. سردار حسین علایی درباره این عملیات گفته است: «ارتش عراق در عملیات کربلای ۵، هر چه در توان داشت علیه رزمندگان اسلام به کار گرفت و ۱۸۰ تپت – یعنی حدود دو سوم استعداد ارتش خود - را وارد منطقه نبرد کرد؛ طوری‌که ۳۵۰ اسیر عراقی این عملیات، مربوط به ۱۱۰ یگان و تپت مختلف ارتش بعثی بودند. می‌توان گفت شدیدترین و گسترده‌ترین نبردها در میان ۹۰ عملیات در طول دفاع مقدس، عملیات «کربلای ۵» بود. شدت آتش دشمن در حین پاتک‌ها به حدی بود که هیچ شیئی روی زمین سالم نماند. مقدار گازهای ناشی از پرتاب گلوله‌ها در فضای جبهه به حدی زیاد بود که تنفس را برای رزمندگان مشکل می‌کرد.»

حتی در فیلم‌ها هم ندیده‌ام!

حمدانی از فرماندهان گارد ریاست جمهوری عراق بعدها درباره این عملیات گفت: «پیش از ۵ هزار تانک و توپ در این منطقه روی هم آتش گشودند. بمباران و گلوله‌باران این منطقه باورکردنی نبود و نتیجه آن نابودی همه چیز بود... من شخصاً آن را قتلگاه جنگ ایران و عراق نام‌گذاری کرده‌ام... شما نمی‌توانستید ۱۰ متر جا پیدا کنید که بمباران نشده باشد... وقتی به خط مقدم رسیدیم، چیزی جز ده‌ها تانک سوخته و هزاران جسد مشاهده نمی‌شد. وضعیتی را که من دیدم، فقط در فیلم‌ها دیده بودم.»

مشورت گرفتن بعثی‌ها از اسرائیلی‌ها

...

به جای عراقی‌ها، تانک می‌دیدیم!

روایت شهید حاج قاسم سلیمانی از عملیات کربلای ۵

تصویری که می‌بینید عکسی است از شهید سردار حاج قاسم سلیمانی که از حضورش در عملیات کربلای ۵ ثبت شده. شهید سلیمانی درباره عملیات «کربلای ۵» می‌گوید: «تقریباً هفت روز شدیدترین پاتک‌ها را دشمن انجام داد... با حداقل ۵۰۰ دستگاه تانک و بیش از ۳۰۰ یا ۴۰۰ قیضه توپ و ده‌ها قیضه کاتیوشا - غیر از ادوات سبکی که در اختیارشان بود- اجرای آتش می‌کردند. زمین را هرچه نگاه می‌کردی، به جای اینکه نفر عراقی ببینی، تانک می‌دیدیم. حجم وسیعی بود. وقتی دشمن شروع می‌کرد به آتش ریختن، با این گروه‌های موزیک‌که ریتم منظمی دارند، هیچ تفاوتی نداشت. با انضباط ویژه‌ای، حجم بالایی از آتش می‌ریخت. من دقت کردم در این زمین کربلای ۵، شاید هیچ متری از زمین وجود نداشت که گلوله‌ای در آنجا فرود نیامده باشد.»

...

مصطفی رحیمی، از پژوهشگران و نویسندگان دفاع مقدس می‌گوید: «عراقی‌ها انواع رودخانه‌ها و کانال‌ها مصنوعی و سنگرها و موانع را با تکیه بر نظریات کارشناسان مصری و اسرائیلی ایجاد کرده بودند. سنگرهای هلالی‌شکل برای اولین بار در شلمچه احداث شدند که حدود ۴۰۰ تا ۲۵۰ متر طول آن‌ها بود. عراقی‌ها به صورت نیم‌دایره خاکریز زده بودند که ممکن بود، حتی چندگردان را در این سنگرها به محاصره خود درآورند. خاکریزهای مثلثی هم به همین شکل، در هر ضلع آن یک مثلث دیگر قرار داشت و تانک و تیربارهای خود را در رأس آن‌ها قرار داده بودند و کاملاً بر منطقه مسلط بودند. این موانع باعث شدند که از سویی، تعداد شهدای عملیات کربلای ۵ بالا رود و از سوی دیگر هم جلوه‌های رزم رزمندگان، بیشتر بروز کرد و خاطرات را جاودانه کرد. خط‌ها یکی یکی شکسته می‌شدند و سختی آن فقط در پدافند بود. اما پیشروی در عملیات کربلای ۵ به شدت سخت بود و حتی بعضی می‌گفتند که غیرممکن است.»

شهدای ایران

در این عملیات بزرگ و طولانی که با سنگین‌ترین و بیشترین پاتک‌های دشمن توأم بود، چندین تن از فرماندهان برجسته ایرانی نظیر حسین خرازی، فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از اصفهان، عبدالله کلهر، قائم‌مقام لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) از تهران، حجت‌الاسلام عبدالله میثمی، مسئول حوزه نمایندگی حضرت امام (ره) در فرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص)، اسماعیل دقایقی، فرمانده لشکر ۹ بدر، هاشم اعتمادی، فرمانده تپ امام حسن (ع)، محمدعلی شاهمرادی، فرمانده تپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم (ع)، حاج قاسم میرحسینی، قائم‌مقام لشکر ۴۱ ثارالله، محمد فرومندی، قائم‌مقام لشکر ۵ نصر و... به‌شهادت رسیدند.

شکستن دژ دشمن

اما این عملیات باعث شد که مستحکم‌ترین و پیچیده‌ترین خطوط دفاعی دشمن در منطقه شلمچه که با انواع موانع ایذایی و استحکامات دفاعی پوشانده شده بود، از سوی رزمندگان اسلام و با تاکتیکی ویژه شکسته شود و نیروهای ایرانی به عقبه یگان‌های ارتش بعثی نزدیک شوند. در این عملیات بخشی از خاک عراق به تصرف قوای ایران درآمد و پاسگاه‌های بویبان، شلمچه، کوت سواری و خین در اختیار رزمندگان اسلام قرار گرفت. ۲۶۵۵ نظامی عراقی که بین آن‌ها ۴۰ افسر ارشد و ۴۰ افسر جرز و ۶۰۰ درجه‌دار نیز حضور داشتند، به اسارت درآمدند. ۲۰ هواپیمای دشمن آسیب دید و ۷ فروند بالگرد دشمن نیز ساقط شد. همچنین ۲۳۰ دستگاه تانک، ۲۰ قیضه توپ، ۲۰۰ دستگاه خودرو و ۱۰۰ دستگاه وسایل مهندسی و ۱۰۰ قیضه توپ ضد هوایی به غنیمت درآمد.

صدام: عروسک خیمه‌شب‌بازی آمریکا

پایان نبرد «کربلای ۵» به موضع برتر ایران ختم شد چراکه توانسته بود خط شلمچه را بشکند. پیشروی ایرانی‌ها به سمت بصره بازتاب گسترده‌ای داشت. آمریکا برای جلوگیری از شکست عراق و سقوط بصره، ناو هواپیمابر جان‌افکندی را به خلیج فارس فرستاد و روزنامه‌های دی‌ولت، اسپنگل و زودویچه‌سایتوگ نوشتند: «آمریکا با ۶ گردان و ۶۰۰ هواپیمای جنگی آماده است در صورت سقوط بصره با ایران بجنگد.» شوروی هم تکران‌اش را از ادامه جنگ اعلام کرد و تأکید کرد جنگ باید با مذاکره تمام شود! میتران، رئیس‌جمهور فرانسه گفت: «پیروزی ایران یعنی پیروزی تندرهای اسلامی که ثبات مدیترانه و جهان اسلام را به هم می‌زند!» سفیر انگلیس در سازمان ملل هم گفت هیچ‌کس مایل به پیروز شدن ایران نیست.

فکرش را هم نمی‌کردند...

فرو ریختن دژ شلمچه، در خطر قرار گرفتن بصره، شرایط سیاسی و نظامی و تأثیرات مهم «کربلا ۵» بر جنگ، این عملیات را تبدیل به مهم‌ترین عملیات‌های جنگ کرد. مردم بصره به خبرنگار رویتز گفته بودند: «ما شب را طوری گذراندم که انگار در قلب صحنه جنگ هستیم.» دکتر علی خرم، از مسئولان وقت وزارت خارجه بعدها درباره بازتاب‌های بین‌المللی این عملیات گفت: «کشورهای غربی ارزیابی دقیقی از توان ایران نداشتند و نمی‌توانستند تعداد نیروهای سپاه را که با اعزام‌های مردمی تأمین می‌شد، تخمین بزنند. با توجه به پیشروی ایران در «کربلای ۵»، تخمین می‌زدند اگر ایران چند عملیات با همین قدرت انجام بدهد، شکست عراق دور از دسترس نیست.» به همین دلیل نیز صدام در روزهای بعد از عملیات «کربلای ۵»، حمله به شهرها و غیرنظامیان را بیشتر کرد و بیش از گذشته به استفاده از سلاح‌های شیمیایی روی آورد.